

نامهٔ سلوک*

بسم الله الرحمن الرحيم

آواز خدا همیشه در گوش دل است که دل که دهد گوش به آواز خدا
کیست این پنهان مرا در جان و تن کز زبان من همی گوید سخن

با عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما، آیت الله محمدی ری شهری

بنده سیدمصطفی قربانی مدام، دانشجوی ورودی ۸۶ دانشکده علوم حدیث، قبل از شروع نامه-
ام، خداوند بزرگ و متعال را شاکرم که مرا به این مکان واقعاً مقدس و شریف دعوت نموده، و به
خود می‌بالم که بهترین دوران زندگی‌م را در این مکان سپری خواهیم کرد، و بر این اساس احساس
خرسندی می‌کنم، و برحسب وظیفه، تشکر لازم را خدمت شما و تمامی دست‌اندرکاران دارم، آن
هم نسبت به این همه بزرگ منشی و اقتدار شما، که با توجه و الطاف الهی و توجهات حضرت بقیة
الله الأعظم توانسته‌اید دانشکده علوم حدیث راه، که واقعاً مبدأ و آغازگر و گسترش دهنده سخنان و
احادیث گهربار ائمه اطهارمان است، راه اندازی نمایید، و از اجر معنوی و اخروی آن بهره‌مند شوید.
درخواست بنده و به نظرم، تمامی دانشجویان عزیز، این باشد که حالا که ما به این دانشکده
آمده‌ایم وظیفه اصلی ما چیست؟ چه طور می‌توانیم یک آدم موفق در این رشته باشیم؟ چه طور
برای جامعه و ایران عزیزمان مفید واقع شویم؟ به نظرم روز قیامت، از ما سؤال می‌شود که شما به
عنوان یک جوان مسلمان، چه کار برای اسلام کردید؟ همان‌طور که شهدا حرفی برای گفتن دارند و
به شهادت خود می‌بالند، ما چه بیابیم؟! پس، اکنون که در موقعیت خوبی قرار گرفته‌ایم، از کجا و
چگونه و چه طور شروع کنیم؟

* این نوشته، نامهٔ یکی از دانشجویان جدید‌الورود دانشکده به ریاست محترم دانشکده علوم حدیث، آیت الله ری شهری است. که پاسخ آن نیز در پی می‌آید.

راستی! آیا واقعاً می‌توانیم احادیث و حرف‌های ائمه علیهم‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به گوش جهانیان برسانیم؟ آیا نباید اول خودمان به آن عمل کنیم؟! آیا واقعاً با تمام وجود می‌توانیم برای خدا و اهل بیت علیهم‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زندگی کنیم، و خودمان را فدا و وقف آنها کنیم، و با وجود آنها و برای آنها زندگی کنیم؟ و تمامی پرسش‌ها، چراها، آیاهای ... که خودتان بهتر از من حقیر می‌دانید. می‌دانید که ما جوان‌ها و دانشجویها دغدغه و مشغله فکری داریم؛ آرزو داریم؛ هدف داریم. سپس این اهدافمان را بر چه پایه و اساسی برنامه‌ریزی و طراحی کنیم؟

امیدوارم که توانسته باشم منظورم را رسانده باشم، و در آخر از شما استاد عزیز و گرانقدر، خواهشمندم که با رهنمودها و راهنمایی‌های لازم و به جا و لازم الاجرا (ما را هدایت کنید تا) بتوانیم در آغاز کسب علم و دانش و زندگی به هدف‌های بلند و والا، (خودمان را) سوق دهیم، و با کمک خداوند و تلاش‌های بی دریغ شما و دوستانتان بتوانیم، اگر خدا بخواهد، شاگردی مکتب شما و اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بکنیم، و ما را هم از دعای خیرتان بی‌نصیب نگذارید، و چه خوب می‌شد که بیشتر می‌توانستیم از محضرتان استفاده کنیم، و باز هم تشکر و قدردانی لازم را از طرف خودم و تمامی دانشجویان و خانواده‌ها از شما می‌کنم.

با عرض پوزش و معذرت خواهی که نامه طولانی شده، می‌خواستم از شما خواهش کنم که اگر اشکالی ندارد، جواب نامه و سؤال‌هایم را مکتوب و با دستان و دست خط مبارک خودتان بنویسید، و در آخر حدیثی یا پیامی و یا نصیحتی به عنوان یادگاری، که همیشه سرمشق خود قرار دهیم، برایم بنویسید.

دانشجو و شاگرد شما (سید مصطفی)

تاریخ ۱۳۸۶ / ۸ / ۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

رتال جامع علوم انسانی

بسمه تعالی

سید مصطفای عزیز، سلام

نامه‌ات را خواندم و صدای پایت را در کوی طلب شنیدم. از دور دور می‌آیی، اما در راه، و بسی نزدیک گشته‌ای، اما قلّه در پیش رو فتح نشده است. بسی خرسندم که خود را به نسیم رحمت خدا سپرده‌ای، و دل به گوش منادیان خوش‌آهنگ او داده‌ای تا کلام الهی و سنت نبوی را برایت آهسته و نرم نرمک زمزمه کنند. آنچه خواسته‌ای، پیام همهٔ پیغام‌آوران خدا است، فرا گیرید و به کار بندید و دیگران را نیز همراه سازید و بدینسان پاسخ را در چند بند سامان می‌دهم، شاید که برای تو و همدمان همراهت مفید افتد.

۱. دانشجوی علم، بویژه علم الهی، چشمانی بینا، گوش‌هایی شنوا و دلی بیدار و سرزنده می‌خواهد و این همان منزل نخست، یقظه است. هویداست که در این مرحله به سر می‌بری و دست بلند سوّالت، خود گواه زانو زدن در محضر اهل بیت، صاحبان حقیقی علم الهی است که نه در شرق و غرب عالم است و نه در سینّه دیگر مدعیان. این هوشیاری تو را مبارک و مباد که با غبار شبهه، راه ناپیموده، آن را تیره و تار سازی.

۲. گام دوم، عزم و جدّ و پشتکار است در فراگیری آنچه استادان عزیزت می‌آموزند. آنچه را می‌گویند نیک بشنو، اما برای باور کردنشان، چند صباحی پشت دروازهٔ جانت نگاهشان دار و همواره با دیگر آگاهی‌ها و نیز عقاید فطری و باورهای نخستینت بسنج و از این معلق داشتن و معلق ماندن، مهراس که سیمرخ یقین دیر به صید می‌آید. تو وظیفه داری همهٔ سخنان را بشنوی و سپس بهترین آنها را برگزینی و چون برگزیدی، پیروی کنی و بروی و نمائی که شناسایی راه و داشتن پا، کافی نیست.

۳. تو در طول چهار سال نخست، دانش‌هایی را دربارهٔ حدیث فرا می‌گیری، و پر واضح است که در طول این چهار سال، نمی‌توانی و نباید از قرآن و نیز عقاید و احکام جدا شوی، اما این درس‌ها، تو را با فن شنا آشنا می‌کنند و دریاچه را نشانت می‌دهند و شاید هم راه ورودت را به آن؛ اما پریدن و غوطه خوردن و غرقه شدن در آن بر عهدهٔ خود تو است، و این، با مطالعه کتاب‌های اصلی حدیث، مانند ابواب اخلاقی کافی، تحف العقول، کلمات قصار نهج البلاغه، و یا برگزیدهٔ آن‌ها در

۱. شرقاً او غرباً فلن تجداً علماً صحیحاً إنّما ما خرج من عندنا .

منتخب میزان الحکمه، نزهة الناظر و خصال و با مباحثه و اشکال زدایی‌ها پیوسته‌ات نزد اساتید، که برخی فرزندان من و برادران بزرگ‌تر تو هستند، به انجام می‌رسد. در پیشینه تمدنی مسلمانان، حدیث خوانی در مرتبه‌ای چسبیده به قرآن خوانی قرار داشت، و عالمان، در نخستین گام‌ها، کتب اصلی حدیث را نزد استادان و بسان قرآن و ژرف‌تر از گلستان و بوستان، فرا می‌گرفتند.

۴. آموختن، خود شیوه می‌خواهد، و می‌توانی با خواندن کتاب‌ها و مقاله‌هایی چند، با دیدگاه اسلام و عالمان مسلمان در این زمینه آشنا شوی، مانند کتاب علم و حکمت در قرآن و حدیث، و مهمتر از آن منیة المرید فی ادب المفید والمستفید، اثر جاویدان شهید ثانی، بزرگ فقیه و محدث قرن دهم، حسن بزرگ این کتاب آن است که تو را با سابقه درخشانت آشنا می‌سازد و با خود تمدنی‌ات پیوند می‌دهد. میان نوشته‌های جدید، نگاهی هم به کتاب ارزشمند هویت صنفی روحانیت از استاد محمدرضا حکیمی، و رساله پولس از جلال آل احمد بینداز که حرف‌هایی برای گفتن دارند.

۵. اندکی که راه رفتی و گام‌هایت استوارتر شد، برخی مقاله‌ها را مطالعه کن و پاسخ آنها را بیاب، خواه با کوشش‌های فردی و گروهی و یا با تکیه دادن به استادان و نوشته‌های آنان، در این میان دو سه کتاب از علامه فقید، سید مرتضی عسکری رحمته‌الله مانند معالم المدرستین و احادیث عائشه، و صد و پنجاه صحابه ساختگی مناسب است.

در این برهه، آن دسته از کتب استاد مطهری که در دوره دبیرستان نخونده‌ای و اندکی سنگین است نیز به کار می‌آید، مانند نظام حقوق زن، عدل الهی، انسان و سرنوشت و... .

۶. این مهم، یاد کردنی است که علم نیز غرائب و شگفتی‌های فراوان دارد، اما تا آموخته‌های لازم و اساسی‌ات را یاد نگرفته‌ای به آنها نپرداز. آموخته‌های اساسی، دربارهٔ مبدأ، معاد و روش زندگی است که بسیاری را در متون قرآن و حدیث می‌توان به چنگ آورد، هر چند برخی به جای غواصی در آن، به گردش می‌چرخند، و این همه نیازمند خالی ساختن وقت از همهٔ امور مزاحم و خوب گوش سپردن است. در این میان دستور امام سجاد رحمته‌الله در بیان حق معلم خواندنی است.

۷. در کنار این همه، تو باید هر دو زبان، عربی و انگلیسی، و یا حداقل یکی را به خوبی فراگیری. زبان، راه اساسی انتقال داشته‌ها به تشنگان معارف الهی و نبوی و علوی است، و افزون بر این، خود وسیلهٔ آگاهی از پرسش‌های زمانه و آگاهی‌های معاصر.

بدان که ضرورتی ندارد زبان را در درون دورهٔ کارشناسی فراگیری، بلکه کافی است، آن را شروع کنی و تا ارشد و دکتری و یا در کنار زندگی شغلی‌ات آن را تکمیل کنی.

۸. تو می‌توانی از سال سوم و چهارم، اندک اندک دورنمایی از آیندهٔ خود را ببینی و یکی از سه راه استادی، نویسندگی و تبلیغ را برای انتقال آنچه فرا گرفته‌ای و گسترش آنچه بدان اعتقاد داری،

برگزینی و برای یکی از آنها خود را آماده کنی. کارگاه‌های روش پژوهش، نویسندگی، سخنرانی، تدریس و حضور در جلسات سخنرانی‌ها و خواندن کتاب‌های شعر و ادب اصیل ایرانی، به تو کمک‌های فراوانی خواهد کرد. اگر تشبیه درستی باشد، مانند ورزشکاران قهرمان، در آغاز ورزشی عمومی و کلی خود را به دست بیاور، و سپس همان بخش از روح خود را که در کار آیندهات بیشتر به درد می‌خورد تقویت کن.

۹. برخی امور در همهٔ مراحل زندگی‌ات و همه جا، به کار می‌آید، مانند پایداری و شکیب ورزیدن، فروتنی و دوری از خودشیفتگی، اعتدال در زندگی، از خوردن و خوابیدن تا حرکت و موضعگیری سیاسی و اجتماعی و پارسایی و پروا مندی.

۱۰. و آخرین سخن: کم گفتن، به اندازه خوردن و خفتن، اجتناب از معاشرت با افراد ناباب، نافله شب و توجه دائمی به حضرت حق و حجت زنده‌اش (عج)، زمینه‌ساز توفیق شما در رسیدن به مقصد اعلای انسانیت است. یاد آن پیر عارف، مرحوم حاج آقا حسین فاطمی قمی (رضوان الله علیه) به خیر که این بیت را زیاد تکرار می‌کرد:

صمت و جوع و سهر، عزلت و ذکر به دوام ناتمامان جهان را کند این پنج، تمام
در پایان توصیه می‌کنم حتماً کتاب *زاد السالک* مرحوم فیض و کیمیای محبت را مطالعه فرمایید.

محمدی ری شهری

۸۶/۹/۱۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی